

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آنتون کانوسکی - (Anton Kanevskiy)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۳ سپتمبر ۲۰۱۸

در راه تشکیل ائتلاف ضد دالری



کی جهان به پرداخت خراج دالر به امریکا پایان خواهد داد...

دمیتری پسکوف، سخنگوی مطبوعاتی رئیس جمهور روسیه در برنامه کانال تلویزیون "روسیه ۱" زیر عنوان "مسکو، کرملین، پوتین" اظهار داشت: سیاست جهانی دالرزدائی با سرعت تمام پیش می‌رود، و شمار کشورهای آسیائی و اروپائی که در پی جست و جوی جایگزین برای دالر هستند، افزایش می‌یابد. او در ادامه افزود: "کشورهای هر چه بیشتری، به خصوص نه فقط در شرق، حتی در اروپا نیز به این که وابستگی به دالر امریکا را چگونه به حداقل برسانند، فکر می‌کنند. آنها ناگهان درک می‌کنند، که الف-این کار امکان پذیر است، ب-انجام این لازم است و پ- هر کس امکان دارد، خودش را نجات دهد. این باید هر چه زودتر انجام شود".

و چند روز قبل از این ژان کلود یونکر رئیس اتحادیه اروپا طی سخنرانی گزارش سالانه خود در پارلمان اروپا در خصوص وضعیت اتحادیه اروپا بیاناتی ایراد نمود که بی‌تردید، می‌توان آن را به عنوان یک نقطه عطف به حساب آورد: "برای این که ارز واحد ما نقش کامل خود را در مقیاس جهانی بازی کند، ما باید به اقدامات بیشتری دست بزنیم. این کار بیهوده است در حالی که فقط ۲ درصد از انرژی ما از امریکا وارد می‌شود، اتحادیه اروپا ۸۰ درصد از بهای ۳۰۰ میلیارد یورو انرژی وارداتی سالانه خود را به دالر امریکا می‌پردازد. بیهوده است که شرکتهای اروپائی بهای هواپیماهای تولیدی اروپا را به جای یورو با دالر امریکا می‌پردازند. یورو باید به سیما و ابزار جدید اروپای مستقل‌تر تبدیل شود".

سخنان یونکر به طور سرراست با اظهارات دو هفته پیش **امانوئل ماکرون** رئیس جمهور فرانسه و **هیگو ماس** وزیر خارجه المان انطباق دارد. هیگو ماس در مقاله منتشره در روزنامه **هندلس بلات** به تاریخ ۲۲ ماه اگست نوشت: زمان ارزیابی مجدد همکاری دو سوی اقیانوس اطلس به طور آگاهانه، انتقادی و خودانتقادی از مدتها قبل فرارسیده ... ما ایده همکاری متعادل را به مثابه برنامه پیشنهاد می‌کنیم ... هنگامی که ایالات متحده آمریکا از خطوط قرمز عبور می‌کند، ما به عنوان اروپایی‌ها باید تعادل ایجاد کنیم ... عبور از ارزش‌ها و منافع مرتبط با نیروی که عامل مناقشه بین شرق و غرب بود، کاهش می‌یابد. امروز برای ایجاد تعادل با آمریکا تنها از طریق همکاری تنگاتنگ المان با فرانسه و سایر کشورهای اروپایی در چهارچوب اروپای مستقل و قوی امکان‌پذیر است".

امانوئل ماکرون باز هم مشخص‌تر گفت: "اروپا دیگر نمی‌تواند امنیت خود را فقط به ایالات متحده اعتماد کند. امروز ما باید مسؤلیت و تأمین امنیت‌مان را به عهده بگیریم و، این است اساس حق حاکمیت اروپا ... ما باید از پایان جنگ سرد نتایج لازم استخراج کنیم. اتحادها امروزه همچنان مهم هستند، اما ضرورت بازنگری تعادل یا حتی واکنش‌های مستقر در مبنای آن‌ها امروزه احساس می‌شود ... ما یک پاسخ اروپایی مطمئن داریم: ستراتیژی ما مختاریت است ... آن را باید شکل داد".

استناد ماکرون به پایان جنگ سرد و تأکید وی بر ضرورت بازبینی واکنش‌های مستقر در شالوده آن بروشنی بیانگر این فکر است که کشورهای پیشرو قاره اروپا دیگر دلیلی برای ادامه **تابعیت بندهوار** از آمریکا نمی‌بینند: اول - این وابستگی را دیگر با "خطر شوروی" نمی‌توان توجیه نمود، دوم - بهای آن بسیار گران است.

در پایان جنگ جهانی دوم ایالات متحده آمریکا در عمل به تنها مرکز جهانی نشر پول تبدیل گردید. طبیعتاً، خلاف سایر بانکهای مرکزی که فله‌های پول را به نفع بودجه و تأمین گردش پول به طور "مجانی" ضرب می‌کنند، امریکایی‌ها به هیچ کس دالر هدیه نکردند. برای این که "کمپانی‌های اروپایی قیمت هواپیماهای ساخت اروپا را با دالر پرداخت نمایند"، آنها می‌بایستی این دالرها را با فروش ارزش‌های مادی واقعی به "نرخ بازار" به دست آورند.

این امر در مورد همین دالرها اعمال گردید که اساس ذخیره ارزی بین‌المللی همه کشورهای را تشکیل می‌دهد. برای تأمین ثبات روبل لازم است به ازای هر دالر از ذخیره طلا و ارز روسیه، شبکه‌های کامل و سایر محصولات کار و زحمت مردم روسیه به فروش برسد. همین مسأله در مورد کاغذهای سبز منقش به تصاویر **فرانکلین** و **گرانت** نیز به این دلیل صادق است که بسیاری از مردم روسیه، یا مثلاً، نیجریه پس‌انداز خود را به آن تبدیل می‌کنند.

دالر به محصول صادراتی عمده آمریکا تبدیل گردید. این واقعیت در ابتداء یک فرصت طلایی برای کسب درآمدی بود، که به عروج بی‌سابقه آمریکا پس از دو جنگ جهانی (و در سایه این جنگها!) منجر گردید، با گذشت زمان عوارض جانبی آن هر چه بیشتر ظاهر شد. زیرا، چاپ کاغذ شکلات بسیار ساده‌تر از تولید محصول قابل رقابت است. در نتیجه، آمریکا به روی سوزن دالری نشانده شد.

در سال ۲۰۱۶ آمریکا به ارزش ۱ تریلیون و ۳۲ میلیارد دالر کالا صادر کرد، اما ارزش کل واردات آن شامل ۲ تریلیون و ۱۲ میلیارد دالر (۶۰ درصد بیشتر از صادرات!) بود. تراز منفی ۷۹۱ میلیارد دالر (تراز تجارت خارجی آمریکا از سال ۱۹۷۶ همواره منفی بوده است!) در حال حاضر بدهی دولتی آمریکا به بیش از ۲۱ تریلیون دالر رسیده و با سرعت سرسام‌آوری افزایش می‌یابد. با وجود این، همه دالرهای نقدی و غیرنقدی که در جهان "سرگردان" هستند و رقم آنها مخفی نگه داشته می‌شود، در واقع دیون خارجی آمریکا محسوب می‌شوند. اگر این دالرها ضرورت خود را در محاسبات بین‌المللی از دست بدهند، آنها را به جای "کاغذ دیواری" هم نمی‌توان استفاده کرد. این دالرها به ازای خرید

کالاهای واقعی و خدمات به امریکا تحویل می‌شوند. امتناع جهان از دالر به عنوان ارز اصلی، موجب گرفتار شدن امریکا به چنان فاجعه‌ای می‌گردد، که ابعاد آن قابل تصور نیست.

حفظ و افزایش تقاضا به دالر در سراسر جهان، پیشگیری از ظهور مراکز قدرت قادر به امتناع از پرداخت خراج دالری (همچون ایوان سوم، حکمران بزرگ مسکو و حاکم سراسر روسیه که به محض "فراهم شدن شرایط" فرمان خان تاتار -مغول را لگدمال نمود)، از الف تا یای سیاست خارجی دهه اخیر امریکا را تشکیل می‌دهد، علت اصلی دسایس و ماجراجوئی‌های خارجی امریکا می‌باشد و امریکا تا کنون موفق بوده است.

به هر حال، "تاریخ به طور بطی تحول می‌یابد" و "هر عملی با عکس‌العمل مواجه می‌شود". هر قدر فشارها برای حفظ هژمونی امریکا افزایش یابند، هر چه به منافع قانونی دیگران آسیب‌های شدیدتر وارد بشود، به همان نسبت تلاشها برای رهایی از "تعهدات" برای حمایت از اقتصاد امریکا تشدید می‌گردند و، مثل این که، زمان فراروئی کمیت (ناراضی) به کیفیت فرارسیده است. نگرانی واشینگتن به ویژه از این است که رهبران متحدان اصلی امریکا موضع "ضد دالری" و ضد امریکائی اتخاذ کرده‌اند و این، در واقعیت امر، درها را به سوی تشکیل ائتلاف جهانی "ضد دالر" باز می‌کند.

حیرت‌انگیز این است که قاطعیت مقامات اروپا در اتخاذ چنین موضعی، سیاست دونالد ترمپ را به سوی تدوین برنامه‌ای تحریک نمود، که محور اصلی آن بازگشت به اقتصاد واقعی است و بر اساس آن بخش زیادی از کالاهای مصرفی امریکا در خود امریکا تولید می‌شود -در صورت خروج تدریجی از اقتصاد مجازی، بهای کالاهای صادراتی امریکا با دالره‌ای تازه چاپ شده و اوراق بهادار خزانه‌داری ایالات متحده امریکا پرداخت می‌شود. کسانی از ترمپ پشتیبانی می‌کنند که بسیار خوب می‌فهمند که این طرح کارائی خود را از دست داده و می‌تواند در آینده قابل پیش‌بینی به سقوط هیولا منجر شود. با این وجود، تلاشهای ترمپ برای ترویج تولیدات امریکا و حفاظت از بازار داخلی ایالات متحده امریکا به کاتالیزاتور فرایند بحران کنونی تبدیل گردیده است. چنان که گویند، زمانی که علل به حد کمال برسند، معلومات یکی بعد از دیگری پدید می‌آیند.

البته، این به معنای آن نیست که شکست دالر، مسأله امروز یا فردا است. روند دالر زدائی طولانی و بخرنج خواهد بود، و آن، با مانورها، دسایس و فریبکاری‌های اغلب بسیار خشن توأم خواهد بود. فروپاشی دالر و همراه با آن ایالات متحده امریکا برای هیچ کس لازم نیست. سقوط بزرگترین اقتصاد جهان ناگزیر به بحران سنگین جهانی منجر خواهد گردید، آری، هیچ کس نمی‌خواهد دارائی‌های متعلق به خود (دالرها) در یک لحظه به کاغذ پاره تبدیل شود.

"فرود آرام" دالر، انتقال آن به جایگاه یکی از ذخایر ارزی جهان در صورت تقویت بخش واقعی اقتصاد امریکا، می‌تواند واشینگتن را از گل‌آلود نمودن آب در سراسر جهان بازدارد، می‌تواند بهترین راه گذار برای همه باشد. با این حال، آیا عقلانیت رهبران جهان برای یافتن چنین راهی کفایت می‌کند؟

افزوده مترجم:

به گزارش تلویزیون خبری "روسیه ۲۴"، سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه هنگام دیدار از بوسنی هرزه‌گوین در ۲۱ سپتامبر، بار دیگر بر این مسأله تأکید نمود که دالر اعتبار جهانی خود را از دست داده و کشورهای هرچه بیشتری آماده‌اند از معامله با دالر امتناع نمایند...

<https://www.fondsk.ru/news/2018/09/18/na-puti-k-antidollarovoj-koalicii-46809.html>

۳۱ شهریور سنبله ۱۳۹۷